

باب شصت و ششم

در نهی از استعمال و شرب حشیش و افیون

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"حَرَّمَ عَلَيْكُم الْمَيْسِرَ وَالْأَفْيُونَ اجْتَنِبُوا يَا مَعْشَرَ الْخَلْقِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُتَجَاوِزِينَ. أَيَاكُمُ الَّذِينَ تَسْتَعْمَلُونَ مَا تَكْسَلُونَ بِهِ هِيَ أَلْكُمُ وَيُضِرُّ أَيْدِيَكُمْ أَنَا مَا أَرَدْنَا لَكُمْ إِلَّا مَا يَنْفَعُكُمْ يَشْهَدُ بِذَلِكَ كُلُّ الْأَشْيَاءِ لَوْ أَنَّكُمْ تَسْمَعُونَ." (بند ۱۵۵)

و نیز میفرمایند:

"قد حَرَّمَ عَلَيْكُم شَرْبَ الْأَفْيُونَ أَنَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ ذَلِكَ نَهْيًا عَظِيمًا فِي الْكِتَابِ وَالَّذِي شَرِبَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنِّي اتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ." (بند ۱۹۰)

حضرت عبدالهء جلّ ثنائه در لوح تنزیه و تقدیس میفرمایند قوله العزیز:

"أَمَّا مَسْئَلَةُ أَفْيُونَ كَثِيفٍ مَلْعُونٍ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ بِصَرِيحِ كِتَابِ أَقْدَسِ مُحَرَّمٍ وَمَذْمُومٍ وَ شَرِبِشْ عَقْلًا ضَرْبِي^۱ مِنْ جَنُونٍ وَ بِتَجْرِبَةٍ مَرْتَكِبِ أَنْ بَكَلِّي مِنْ عَالَمِ إِنْسَانِي مُحَرَّمٍ. پناه بخدا میبریم از ارتکاب چنین امر فظیعی^۲ که هادم بنیان انسانیت و سبب خسران ابدی. جان انسان را بگیرد، وجدان بمیرد، شعور زائل شود، ادراک بکاهد، زنده را مرده نماید، حرارت طبیعت را افسرده کند. دیگر نتوان مضرّتی اعظم از این تصوّر نمود." (مکاتیب اوّل صفحه ۳۲۶)

و در لوح ملا یوسف خوسفی میفرمایند قوله تعالی:

"در خصوص افیون مرقوم نمودید شارب و شاری^۳ و بایع کلّ محروم از فیض و عنایت الهی هستند و بصریح نصّ الهی حرام است. شارب الخمر صد درجه تفضیل بشارب افیون دارد. در ساحت اقدس بسیار مذموم بود بقسمیکه هر وقت ذکر افیون میشد چهره مبارک متغیّر میشد. باین درجه مذموم و حرام است مگر کسی که

^۱ ضربی: نوعی - قسمی

^۲ فظیعی: زشت و مکروه

^۳ شاری: خریدار

بجۀه معالجه خرید و فروش نماید که در اجزاخانه‌ها⁴ محض معالجه امراض صرف کنند. ضجیع⁵ را تا توانی از شرب افیون منع و زجر نما بلکه انشاء الله متنبه گردد و از این مصیبت کبری نجات یابد و الا یاخذها الله اخذ عزیز مقتدر من راضی بفصل⁶ نمیشوم ولی او خود داند بلائی اعظم از این مشاهده خواهد نمود. مرا آرزو چنانست که احباء کم کم از شرب دخان نیز احتراز نمایند تا چه رسد بافیون."

و در لوح جوان روحانی درخشی میفرمایند:

"تریاک نفوس را از خاک پست تر کند و از عظم رمیم⁷ پوسیده‌تر. سبحان الله چه قدر عجیب است و چه قدر غریب که انسان خود را زنده مرده نماید و افسرده و پژمرده گرداند و جز ضرر ثمر و اثر نبیند با وجود این چگونه مصرّ بر حصول این ضرر گردد و الله الذی لا اله الا هو. اگر انسان زنده در قبر نشیند بهتر از آنست که مرتکب شرب افیون شود و مظهر الجنون فنون گردد. البتّه البتّه خویش و بیگانه را نصیحت نمائید و از اینعمل قبیح ممانعت کنید که الیوم در آستان مقدّس اعظم محرّمات شرب تریاک است اعاذنا الله و ایاکم عن هذا الضر العظيم و البلیة الّتی هادمة للبنيان الجسیم."

و در لوح احبّای سروستان فرموده‌اند:

"در خصوص زرع تریاک استفسار نموده بودید. زرع تریاک جز بجۀه علاج جائز نه زیرا در اکثر معالجات مستعمل."

⁴ اجزاخانه: دوا خانه

⁵ ضجیع: زوجه

⁶ فصل: جدائی و طلاق

⁷ عظم رمیم: استخوان پوسیده

حضرت ولیّ امرالله جلّ سلطانه در لوح جناب بدیع‌الله آگاه آباءه مورخ رجب ۱۳۴۷ مطابق سوّم ژانویه ۱۹۲۹ میفرمایند قوله الاحلی:

"شرب و استعمال افیون از محرّمات است و شارب بهائی نه و در زمره مؤمنین داخل نیست. ولی اگر ترک آن دفعة واحده ضرر کئی داشته باشد در اینصورت مؤمن حقیقی باید در کمال صمیمیت متدرّجا اقدام بترک آن نماید."

و در لوح دیگر خطاب بمحفل مقدّس طهران میفرمایند:

"شرب خمر و تریاک از محرّمات منصوصی حتمیه است لهذا اگر افراد اجتناب ننمایند و متدرّجا ترک نکنند و از نصیحت و انذار محفل متنّب نشوند و عمدا مداومت نمایند انفصال آنانرا از جامعه بکمال حزم و متانت اعلان نمائید."

بیانات الهیه در این خصوص بسیار و اینمطلب را بدرج آیاتی که از سماء قدرت جمالمقدم جلّ جلاله نازل شده خاتمه میدهد. در لوح مبارکی که بتاريخ غره شوّال ۱۳۰۶ هجری از قلم مطلع آیات رحمن باعزاز حاجی سیّد میرزای افغان یزدی^۸ نازل شده میفرمایند قوله جلّت عظمته:

"از حقّ میطلبیم اولیای آن ارض را تأیید فرماید بر ترک آنچه از قلم اعلی نهی آن نازل. فی کتابه الاقدس قوله تبارک و تعالی قد حرّم علیکم شرب الافیون ... تا آخر آیه و فی مقام آخر حرّم علیکم المیسر و الافیون تا آخر آیه ... بسیار حیف است انسان بعملی که نفسش بآن میل نماید از اراده الهی و حکم محکم کتاب او بگذرد و بخلاف رضایش عامل شود. پند گیرید ای برادران و بنصایح مشفق الهی دل بندید و تمسک جوئید هذا خیر لکم لو انتم تعلمون."

اما راجع بحرمت حشیش^۹ تاکید شدید در آیات الهیه نازل شده و در اینمقام بدرج لوحی که از کلک اطهر

^۸ حاجی سیّد میرزای افغان پسر جناب حاجی میرزا سیّد حسن افغان کبیر است (که برادر حضرت حرم و پسر جناب میرزا علی بوده است)

^۹ حشیش در اصطلاح دراویش مهله که جزو ارواح معطله هستند به (اسرار) و در لسان شعرای ایران به زمرد سوده و سبز خیمه رستم و در عرف شعرای عرب به مدامه حیدر معروف است. برای تفصیل به کتب ادبیه و تاریخیه مراجعه شود.

مرکز میثاق جلّ ثنائه نازل شده اکتفا میشود قوله جلّ ثنائه:

"هو الله - ای بنده حضرت کبریا... در مسئله حشیش فقره مرقوم بود که بعضی از نفوس ایرانیان بشریش گرفتار سبحان الله این از جمیع مسکرات بدتر و حرمتش مصرّح و سبب پریشانی افکار و خمودت روح انسان از جمیع اطوار. چگونه ناس باین ثمره شجره زقوم استیناس یابند و بحالتی گرفتار گردند که حقیقت نسناس شوند. چگونه این شیء محرم را استعمال کنند و محروم از الطاف حضرت رحمن گردند. البتّه صد البتّه تا توانی ناس را نصیحت نمائید که از این افیون و حشیش زقوم بیزار شوند و بدرگاه احدیت توبه نمایند. خمر سبب ذهول عقل است و صدور حرکات جاهلانه. اما این افیون و زقوم کثیف و حشیش خبیث عقل را زائل و نفس را خامد و روح را جامد و تن را ناهل¹⁰ و انسانرا بکلی خائب و خاسر نماید. با وجود این چگونه جسارت نمایند ملاحظه نمائید که اهالی هند و چین چون بشرب دخان این گیاه سجّین معتادند چگونه مخمود و مهوت و منکوب و مذلول¹¹ و مردولند¹² هزار نفر مقاومت یکنفر نتواند هشتصد کرور نفوس از اهل چین مقابلی با چند فوج از فرنگ ننمود زیرا جبن و خوف و هراس در طینتشان بسبب شرب دخان افیون مخمر گشته. سبحان الله چرا دیگران عبرت نگیرند. از قرار معلوم این فعل مشئوم بمرز و بوم ایران نیز سرایت کرده اعاذنا الله و ایاکم من هذا الحرام القبیح و الدّخان الکثیف و زقوم الجحیم كما قال الله تبارک و تعالی. یغلی فی البطون کغلی الحمیم¹³ و علیک التّحیّة و الثّناء عع".

¹⁰ ناهل بمعنی خشکیده و پژمرده است و تشنه را نیز ناهل گویند

¹¹ مذلول: خوار و ذلیل

¹² مردول: پست و لئیم

¹³ یغلی فی البطون کغلی الحمیم: میجوشد در شکمها مانند آب داغ